



Authors: Khamenei

Title: Speech on the Occasion of the Inauguration of Hojjat ol-Elsam val-Moslemin Hashemi Rafsanjani

Language: Persian

Western Date: 3/8/1989

Persian Date: 12/5/1368

Physical/Electronic Location: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2153>

In the name of God, the Merciful, the Compassionate

The Hoseiniya of Jamaran is a place that has always played a role in the history of our revolution throughout the past ten years. It was here and under the same sacred and blessed auspices that we have been able to experience difficult occasions, begin a critical point in our revolutionary life, and learn constructive lessons from our Imam, our teacher and guide. In short, the Iranian nation began its movements in this place and took refuge here, and from here emerged from the turning point.

Today, with the loss of our dear, great, and unparalleled leader and Imam, we doubtless are suffering a loss and an important vacuum, but remembering the firmness, decisiveness, and spirituality of that great man with his unforgettable lessons, we begin a new era.

In my opinion, today is an important day and the beginning of a turning point, full of importance. Of course, the propaganda loudspeakers of world arrogance and Zionism want to get both the Iranian nation and world public opinion - and perhaps even some officials - to believe that the Islamic Republican system has begun a new age or a new orientation! This, like everything else the trumpets of arrogance try to get us to believe, is foolish, desperate, and idiotic.

The new age, if it is taken to mean something different from the firm lines drawn by our dear Imam, those same lines of revolution and Islam, and nothing else, will never get anywhere in our revolution. As long as there are awakened hearts and responsible people and believing officials who know Islam and the Imam, America and the other enemies and world arrogance and enemies and hypocrites

must take such wishes to the grave.

The line which the Imam drew for the revolution and which the nation of Iran has acted on the basis of for ten years is the great line of Islam and the Muslims and the defense of the disposed and the abased throughout the word. It is a line and path which has made the nation of Iran, which was a living and proud nation in the world, the most independent, living, and active nation in the world.

بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

حسینیه‌ی جماران، نقطه‌یی است که همواره سازنده‌ی تاریخ انقلاب ما در طول ده سال اخیر بوده است. در این نقطه و در زیر همین جایگاه مقدس و متبرک بوده که ما توانسته‌ایم در طول این ده سال، تجربه‌های دشوار را از سر بگذرانیم و مقاطع حساس را در زندگی انقلابی خود شروع کنیم و درسهای سازنده را از امام و معلم و مرادمان بگیریم. خلاصه این که ملت ایران، در این نقطه حرکتها را آغاز کرده، در مشکلات به این نقطه پناه آورده و از این نقطه، مقاطع حساس را آغاز کرده است.

ما امروز با فقدان رهبر و امام عزیز و معظّم و بی‌نظیرمان، بی‌شک دچار کمبود و خلأ مهمی هستیم؛ لیکن با یاد صلابت و قاطعیت و معنویت و روحانیت آن بزرگوار و با الهام از درسهای فراموش‌نشدنی ایشان، امروز مقطع و دوران دیگری را آغاز می‌کنیم.

به نظر من، امروز روز مهم و شروع مقطع حساس و حایز اهمیتی است. البته، بلندگوهای تبلیغاتی استکبار جهانی و صهیونیسم، می‌خواهند هم به ملت ایران و هم به افکار عمومی عالم و شاید هم به بعضی از مسؤولان القا کنند که نظام جمهوری اسلامی، دوران جدیدی با جهتگیری جدیدی را آغاز کرده است! این حرف، مثل همه‌ی حرفهای القا شده از سوی بوقهای استکباری، هم غلط و هم بسیار ناشیانه و ابلهانه است.

دوران جدید، اگر به معنای انصراف از خطوط ترسیم شده‌ی قطعی به وسیله‌ی امام عزیزمان باشد - که همان خطوط انقلاب و اسلام است و چیزی از آن فراتر نیست - هرگز در انقلاب ما

پیش نخواهد آمد. تا وقتی که دل‌های بیدار و مردم مسؤول و مسؤولان مؤمن و اسلام‌شناس و امام‌شناس، در این کشور هستند، امریکا و دیگر دشمنان و مستکبران عالم و بدخواهان و منافقان، باید آرزوی چنین روزی را به گور ببرند.

خطی که امام برای انقلاب ترسیم کردند و ده سال است که ملت ایران بر اساس آن حرکت می‌کند، خط عظمت اسلام و مسلمین و دفاع از محرومان و مستضعفان در سراسر عالم است. خط و راهی است که ملت ایران را در دنیا، به صورت يك ملت زنده و سرافراز و مستقلترین و زنده‌ترین و فعالترین ملت‌های دنیا درآورده و ما را از حالت ملت عقب‌افتاده‌ی وابسته‌ی مرده، خارج ساخته است. خطی است که ایمان و محبت و عشق مردم به اسلام را برانگیخته و آنها را در این راه، به فداکاری‌های اعجاب‌انگیز و بی‌نظیر واداشته است. این خط، زندگی و همه‌ی هستی و هویت ملی و انقلابی ماست و به فضل پروردگار این خط، با قاطعیت و قدرت و امید و با همان روحیه‌ی که امام در طول دوران نهضت و انقلاب، عملاً به ما تعلیم دادند، به پیش خواهد رفت. ما برای تحکیم راه امام و انقلاب و فداکاری و تلاش و کوشش شبانه‌روزی، آماده‌ایم. جانها و خونهای ما، فدای این راه و خط است. سعادت ما در این است که زندگی خود را در این راه بگذرانیم. در این، هیچ تردیدی نیست.

ما امروز، فصل جدیدی را - که برای ملت ایران و مسؤولان قابل توجه است - آغاز می‌کنیم. ما آن خانواده‌ی بزرگ و فعالی هستیم که امید و اتکاء و قوت قلبش، به پدر این خانواده بود. با بودنش، همه‌ی تکیه‌ها - بعد از خدا - به او بود. هر مشکلی برای کشور و مسؤولان پیش می‌آمد، سرانگشت هنرمند و کارآمد او بود که گره را باز می‌کرد. در جنگ و سیاست خارجی و مسایل داخلی و مسایل اقتصادی و اجتماعی، ملت و دولت و مسؤولان، حقیقتاً پشتشان به امام بزرگوارمان گرم بود. این، واقعیتی است که ما ده سال این‌طور حرکت و سیر کردیم و این کشور را اداره نمودیم.

در دوران مسؤولیت ممتدی که از روزهای اول انقلاب داشتم، بارها به یاد این جمله‌ی امیرالمؤمنین(علیه‌الصلاة والسلام) می‌افتم که می‌فرماید: «إذا اشتدّ بنا الحراق التجینا برسول الله»(1). امیرالمؤمنین می‌فرماید: وقتی در جنگها کار بر ما سخت می‌شد و

احساس می‌کردیم که در مقابل حادثه ضعیفیم، به رسول خدا پناه می‌بردیم. وقتی این جمله‌ی امیرالمؤمنین (صلوات‌الله‌علیه) به یاد می‌آمد، می‌دیدم بر وضع ما نیز صادق است. مکرراً اتفاق افتاد که سر قضایای مختلف، با برادران مسؤول می‌نشستیم و فکرهایمان را تبادل می‌کردیم و مشکل را در مجموعه‌ی می‌گذاشتیم و خدمت امام(ره) می‌بردیم و او بود که با نظر صائب و اراده‌ی قوی و ایمان و توکل بی‌نظیر خود، مشکل را حل می‌کرد. خدا شاهد است که در مدت عمر خود، کسی را در این حد از توکل و حسن‌ظن به خدا ندیده و نشنیده‌ام. او، مشکل را حل و گره را باز می‌کرد. امروز، این پدر خانواده و آن متکای محکم و کسی که خاطرمان آسوده بود که در مشکلات، به او مراجعه خواهیم کرد، در میان ما نیست.

در چنین شرایطی، باید مثل همه‌ی خانواده‌هایی که پدر و بزرگ خود را از دست می‌دهند، عمل کنیم. در چنان وضعیتی، هر کدام از افراد خانواده، به نوبه‌ی خود احساس مسؤولیت تازه‌ی می‌کنند و گاهی يك جوان پانزده ساله که تا دیروز مشغول بازی یا درس خواندن بود و احساس مسؤولیتی نمی‌کرد، امروز در خانه، چهره‌ی يك مرد را به خود می‌گیرد و احساس می‌کند که بایستی او هم به سهم خود، نقشی داشته باشد و مقداری از این خلأ را پر کند.

برادران عزیز! این، خصوصیت دوران جدید ما مسؤولان و ملت است. باید با تلاش و همکاری مسؤولانه و محبت و پیوند مستحکم و حضور دایمی مردم در صحنه و دلسوزی کامل علمای اعلام و بزرگان اسلام و قشرهای مختلف کشور و با وحدت کلمه و حفظ حاکمیت نظام جمهوری اسلام و مرکزیت این نظام و تجمع حول این محور و تسلیم در مقابل جهت‌گیری‌هایی که برخاسته از همان رهنمودها و اصولی که بر طبق مصالح کشور است، این خلأ را پر کنیم. شکی نیست که فقدان امام بزرگوارمان را به هیچ‌وجه به معنای پایان یافتن راه یا تکلیف یا امید، به حساب نمی‌آوریم. پیامبر خدا(ص) از دنیا رفت و تازه فتوحات عظیمه‌ی مسلمین شروع شد. او، با ایجاد بنا و قاعده‌ی يك نظام عظیم جهانی، توانست جامعه‌ی اسلامی بسازد که قرن‌ها پس از رحلتش، به صورت مقام و قدرت اول سیاسی و اقتصادی و نظامی و

اجتماعی، در دنیا خود را نشان داد.

اگر فساد سردمداران در دوره‌های بعد نبود که به نام اسلام، سالها بعد از رحلت پیامبر(ص)، در میان مردم حکومت کردند، یقیناً اثر حرکت رسول خدا، تا قرنهای متمادی دیگر و شاید تا این روزها ادامه می‌داشت؛ منتها فساد سردمداران، راه را قطع کرد. ما می‌توانیم بعد از رحلت امام(ره)، راه او را ادامه دهیم. همچنان که رسول خدا، ده سال و چند ماه در میان امت خود بود، امام عزیز ما هم که شاگرد و پیرو راه انبیا و اولیا بود، حدود ده سال و چند ماه در میان ما بود.

اگر ما همان اصول و خطوط و همان قاعده و مبنا را به معنای حقیقی کلمه و به‌صورت جدی و با همان اراده و امید در دست بگیریم، این راه را ادامه خواهیم داد. امیدها و تلاشها پایان نیافته است. با همت و تلاش همه جانبه‌ی شما ملت و با محبت و صمیمیتی که روح مطهر و مبارک آن عزیز فقید، بر سرتاسر این ملت پاشید و آنها را با عطر محبت و ابزارهای کارآمد مطهر و معطر کرد، ما می‌توانیم راه را خیلی خوب و سریع ادامه بدهیم.

من، حقیقتاً به مدیریت جدید کشور، از اعماق دل اعتقاد و اطمینان و امید دارم. من، آن روزی را می‌بینم که این مدیریت صالح و سالم و کارآمد و انقلابی، بتواند ان‌شاءالله به کمک مردم - که شرط اصلی است - همه‌ی این گره‌هایی را که وجود دارد، باز کند و راهها را هموار نماید. البته، همان‌طور که بارها گفته شده‌است و باز هم تکرار و تأکید می‌کنیم، مبدا مردم انتظار معجزه داشته باشند. این کشور، هشت سال در جنگ بود و اگر درست نگاه کنیم، ده سال جنگ می‌کرد. مسؤولان دلسوز و عزیز و خدمتگزاری که در این هشت سال، برای مردم کار کردند، با انواع مشکلات دست و پنجه نرم نمودند تا توانستند کشور را در يك شرایط قابل قبول و بالنسبه خوب - که مبالغه هم نمی‌کنیم - نگه دارند و حفظ کنند. در عین حال، مشکلات جنگ از بین نرفته و تمام نشده است.

بعضی خیال می‌کنند تا جنگ تمام شد، همه‌ی مشکلات جنگ از بین خواهد رفت. نه، مشکلات جنگ، باید بعد از جنگ برطرف بشود. برطرف کردن يك مشکل، بسیار طولانیتر از ایجاد مشکل خواهد بود. يك بمب می‌خورد و در يك لحظه، ساختمانی را ویران می‌کند. ما

اگر بخواهیم همین ساختمان را دوباره سرپا کنیم، زمان زیادی لازم است. این همه ویرانی‌هایی که در جنگ به وجود آمد، این همه منابعی که تعطیل ماند، این همه منابعی که ضایع و خراب شد، این همه مشکلاتی که بر مردم وارد آمد، ترمیمش زمان زیادی لازم دارد. نباید عجله بخرج داد و زیاد طلبکاری کرد. این فکر را نباید القا کرد که به مجرد آن‌که دولت تشکیل بشود، با فاصله‌ی کوتاهی همه‌ی مشکلات برطرف خواهد شد. البته مشکلات، در زمان معقول و مناسب برطرف خواهد شد. برنامه‌ریزی و تلاش و گرفتن همکاری از مردم و ابتکارات گوناگون لازم است تا انشاءالله مشکلات برطرف بشود.

این جمله را هم مطرح کنم که علاج مشکلات ما در این است که سازندگی کشور را در کنار تأمین روحیه‌ی انقلابی در مردم و حفظ همان صلابت و چهره‌ی باعظمت و هیبت انقلاب ببینیم. اگر به رفاه عمومی نیندیشیم و به سازندگی کشور فکر نکنیم، مطمئناً نظام جمهوری اسلامی نخواهد توانست الگو و تجربه‌ی مطلوب را به دنیا ارایه بدهد.

اگر در مسایل رفاه زندگی عمومی و ایجاد تسهیلات و رفع مشکلات غرق شویم، به طوری که جهتگیری‌های انقلابی را به دست غفلت بسپریم، به ابهت و هیبت انقلاب ضربه زده‌ایم و جاذبه‌ی آن را در دنیا مخدوش کرده‌ایم و این، مطمئناً به کارایی ما ضربه خواهد زد. بنابراین، این دو در کنار هم مطرحند.

البته، در مسایل داخلی و سازندگی، رفاه و رفع مشکلات و ایجاد سازندگی، تنها هدف نیست. در مسایل داخلی هم، تأمین عدالت اجتماعی و امنیت عمومی و رعایت طبقات ضعیف و محروم، يك رکن اصلی است؛ همچنان‌که در سطح حرکت عمومی کشور، اخلاق و روحیات اسلامی و برادری و گذشت و ایثار و بقیه‌ی خلیات حسنه‌ی اسلامی هم، باید مورد توجه قرار بگیرد.

توکل ما به خداست. انشاءالله عزم و همت مردم و مسئولان، کارها را روبه‌راه و راهها را هموار خواهد کرد و دعای حضرت بقیةالله‌الاعظم (ارواحنا فداه و عجل الله تعالی فرجه) انشاءالله ما را کمک خواهد کرد و به پیش خواهد برد و امیدواریم آن روز دور نباشد که ببینیم بسیاری از آرمانهای امام بزرگوارمان، در جامعه‌ی اسلامی و انقلابی ما تحقق پیدا کرده

است.

والسّلام عليكم ورحمة الله و بركاته

نهج البلاغه، كلمات قصار (1)